

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد محق  
۲۸ فبروری ۲۰۲۳



محمد محق

## ایران و طالبان، تقدم سیاست بر فرهنگ و مدنیت

خبر واگذاری سفارت افغانستان در تهران به گروه طالبان مایه سرخوردگی بسیاری از شهروندان افغانستان در داخل و خارج کشور شد. سرمایه‌گذاری حکومت ایران بر گروه طالبان از دیری است که آغاز یافته و تا اکنون ادامه دارد. در یک دهه گذشته، بسیاری از فرماندهان طالبان، به ویژه از مناطق غرب افغانستان، در ایران اقامت داشتند، همچنان‌که برای جنگجویان‌شان آموزشگاه‌های نظامی برپا بود، و بخشی از عملیات طالبان از آن‌جا برنامه‌ریزی و در افغانستان اجراء می‌شد و آنان پس از شکست در برابر ارتش حکومت پیشین افغانستان به خاک ایران می‌گریختند و آن‌جا پنهان می‌شدند.

رابطه ایران و طالبان برای بسیاری از مردم دو کشور، به ویژه اهالی دانش، فرهنگ و سیاست، پرسش برانگیز بوده است. آنان می‌پرسند که چرا باید با دشمنان مذهب، زبان، فرهنگ و مدنیت خود دوستی کرد؟ کسانی ساده‌ترین پاسخ این عمل‌کرد متناقض را در این مقوله مشهور یافته‌اند که "دشمن دشمن من دوست من است." یعنی دشمنی طالبان با امریکا سبب دوستی این دو دشمن مذهبی و فرهنگی شد. اما این پاسخ، دست کم در شرایط کنونی، قناعت‌بخش نیست، زیرا طالبان کنونی با امریکا روابط پیدا و پنهان فراوانی دارد و این روابط از چشم اطلاعات و سپاه پاسداران ایران مخفی نیست. شماری دیگر این کار ایران را باج‌دهی به این گروه می‌دانند تا علی‌رغم روابطی که با امریکا دارد، دست کم از کمک به گروه‌های مخالف ایران از مرزهای شرقی‌اش خودداری کند، به ویژه در شرایطی که اوج گرفتن اعتراضات مردمی در ایران شکنندگی نظام حاکم را چند برابر می‌سازد. شماری دیگر ریشه‌اش را در اشتراکات ایدئولوژیک می‌دانند که یکی نماینده اسلام سیاسی از نوع سنی و دیگری اسلام سیاسی از نوع شیعی است، و پایه کار هر دو بر استبداد و نفی اراده مردم است. استدلال این عده به این است که حکومت ایران با القاعده، علی‌رغم تضادهای عمیق

سلفیت با تشیع، توانسته است همپیمان شود و برای بسیاری از رهبران پناهگاه‌های امن ایجاد کند، و این به معنای اتحاد همه افراطگرایان است، طبق مقوله: "آب اگر صد پاره گردد باز با هم آشناست".

روابط ایران با افغانستان البته از دیرباز پرتناقض بوده است. در سال‌هایی که افغانستان زیر اشغال اتحاد جماهیر شوروی بود، دولت ایران روابط رسمی را با حکومت تحت الحمایه شوروی و روابط رسمی را با گروه‌های مخالف آن به پیش می‌برد. در سال‌های پس از آن نیز، هر گروهی که در افغانستان شکست می‌خورد در ایران مورد استقبال قرار می‌گرفت. امروزه نیز بخشی از گروه‌های مخالف طالبان در ایران مستقر شده‌اند. گویا یک ضلع سیاست ایران در مورد افغانستان این است که این کشور دارای دولتی قوی نباشد، و جدا از این‌که چه کسی بر کابل حکم براند، مخالفانش امکان تداوم حیات داشته باشند.

هرچه باشد اقدام اخیر دولت ایران به عنوان نقطه‌ای سیاه در تاریخ دو کشور خواهد ماند و دیوار بی‌اعتمادی میان دو همسایه را برافراشته‌تر خواهد کرد. این عمل در داخل ایران نیز بازتابی ناخوشایند خواهد داشت و بخشی از نیروهای سیاسی و فرهنگی را خشمگین‌تر خواهد ساخت، زیرا ارزش‌های ملی، مشترکات تمدنی، و پیوندهای فرهنگی را به پای منافع حاکمان کنونی ایران قربانی می‌کند. طالبان اما در نهایت گروهی نیست که دوست واقعی کسی باشد، و ثابت خواهد شد که کمک به یک گروه تروریستی اگر در کوتاه‌مدت سودمند باشد در بلندمدت بر حجم و وسعت بحران‌های این منطقه خواهد افزود و مردمان هر دو کشور رنج فراوانی از دست افراطیت و تروریسم خواهند برد. روزهای سختی و تنهایی مردم افغانستان اما تا ابد نخواهد پائید.